



بررسی اصل (۱۶۷) قانون اساسی با تأکید بر اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها

زهرا سادات حجازی

دانشجوی گرایش حقوق عمومی، مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی (ره)

چکیده

یکی از اصول بنیادین و لایتغیر در حقوق کیفری اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها است. در پرتوی این اصل می‌بایست کیفیت جرائم و مجازات‌ها توسط مقنن پیش‌بینی شده باشد. متناظر این اصل در دین مبین اسلام، قاعده «قیح عقاب بلا بیان» است؛ به حکم این قاعده کیفر کردن شخص به علت رفتار ممنوعی که حکم آن سابقاً توسط شارع ابلاغ نشده باشد، عملی قبیح تلقی می‌شود. در نظام حقوقی موضوعه (که همین قسم بر نظام حقوقی ایران حاکم است) اصل یادشده در قالب تدوین قوانین متجلی می‌شود. با وجود این، در اصل (۱۶۷) قانون اساسی قاضی موظف است تا در صورت نیافتن حکم دعوا در قوانین مدون، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر کند. تصویب اصل مذکور باعث ایجاد نظرات مختلف در باب اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها شده و همواره نقدهای چالش برانگیزی را - علی‌الخصوص در حوزه حقوق کیفری - به دنبال داشته است. هدف از این پژوهش، پاسخ‌گویی به یک پرسش اساسی است: در قلمرو حقوق کیفری نحوه تفسیر و اجرای مفاد اصل (۱۶۷) قانون اساسی چگونه است؟ نگارنده طی یادداشت حاضر به فراخور بضاعت علمی خویش در پی آنست که با روش توصیفی و رعایت جوانب اختصار به موضوع پردازد. ره‌آورد تحقیق بر آن دلالت دارد که سیاست تقنینی کیفری در باب تفسیر و تبیین این اصل، دچار دوگانگی است؛ در عین حال قانون عادی - که قاعداً باید به شفافیت و کارآمدی اصول قانون اساسی منجر شود - در آن نوعی التباس و ابهام معنایی ملاحظه می‌گردد. ماحصل چنین کلی‌گویی‌ای، عدم توفیق اصل مذکور به ویژه در ورطه رویه کیفری می‌باشد.

واژگان کلیدی: دعاوی کیفری، عدالت قضایی، قانون، شورای نگهبان